نگاه

زکیه عاقلی؛ تاریخ پژوه

سفرنامه نویسان دوره ناصری، از پوشش بانوان می گویند

حسرت دیدن زن بی حجاب ایرانی!

علاوه بر توصیف سفرنامه‌نویسان فرنگی از حجاب اسرارآمیز زنان ایرانی در دوره قاجار، عمده سیاحان، جواسیس و سیاسیون اروپایی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده و کتاب خاطرات نوشته‌اند، کم یا زیاد به مسئله رفتار، پوشش و حجاب بانوان ایرانی اشاره کرده‌اند. برخی از آنها با دیده احترام، برخی با دیده کنجکاوی و برخی نیز با تحقیر، از پایبندی دختران و زنان عفیف ایرانی به داشتن حجاب سخن گفته‌اند. مثلا «کارلا سرنا» بانوی جهانگرد ایتالیایی که در دوره ناصرالدین شاه به ایران سفر کرده، در کتاب سفرنامه خود با دیده احترام به فرهنگ ایرانیان از جمله فرهنگ لباس، حجاب و مسائل مربوط به بانوان، روابط خانوادگی آنها با هم و... نگریسته است. او درباره حجاب بانوان ایرانی می‌نویسد: «زنان آنان دارای هر وضع اجتماعی که باشند، همه‌شان بدون استثنا خود را در چادرهایی به رنگ سرمه‌ای تند می پوشانند. شلوارهای گشاد از جلودار سبز، بنفش، خاکستری یا قرمز رنگ که مانند جوراب، پاها را نیز می‌پوشانند و دمپایی‌های پاشنه‌دار، پوشاک یکنواخت همه زنان ایرانی است...» اما در مقابل «هنریش بروگش» باستان‌شناس معروف آلمانی که دوبار در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه به ایران سفر کرده است، در کتاب خاطراتش با عنوان «در سرزمین آفتاب» با تحقیر به زنان ایرانی می‌نگرد و از اینکه نمی‌تواند آنها را مشاهده کند، به زنان ایرانی تهمت می‌زند؛«اینها زندگی زناشویی سالمی مانند زنان آلمانی ندارند!...» او به گاه توصیف بانوان ایرانی می‌نویسد: «در مورد چهره زنان ایرانی، مطالب زیادی نمی‌توانم بنویسم. چون در پشت حجاب غیرقابل نفوذ و اسرارآمیزی پنهان شده‌اند. فقط از روی تصاویری که نقاشان ایرانی کشیده‌اند، می‌توان حدس زد که سیمای آنان بسان ماه شب چهارده گرد است و گونه‌هایشان همچون کودکان سرخ است و زیر ابروان پرپشت و کمانی‌شان، یک جفت چشم درشت سیاه می‌درخشد...» البته جهانگردانی هم بوده‌اند که کنجکاوانه، در کتاب خاطرات خود از حجاب و پوشش زنان ایرانی نوشته‌اند. مثلا لویی ماری ژولین ویاند معروف به «پیر لوتی» که نویسنده رمان و مأمور وزارت برون‌مرزی کشور فرانسه بود، در سال ۱۹۰۱م. یعنی همزمان با دوره پادشاهی مظفرالدین‌شاه قاجار، از راه سفر هند به ایران وارد شد.

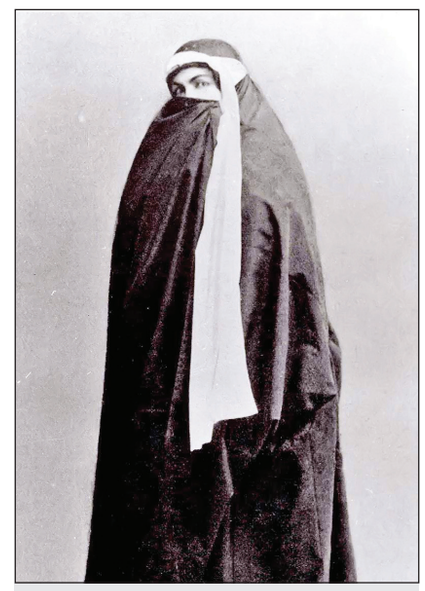

نمایی از پوشش یکی از زنان ایرانی، در دوره قاجار

علاوه بر توصیف سفرنامه‌نویسان فرنگی از حجاب زنان ایرانی در دوره قاجار، عمده سیاحان، جواسیس و سیاسیون اروپایی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده و کتاب خاطرات نوشته‌اند، کم یا زیاد به مسئله رفتار، پوشش و حجاب بانوان ایرانی اشاره کرده‌اند. برخی از آنها با دیده احترام، برخی با دیده کنجکاوی و برخی نیز با تحقیر، از پایبندی دختران و زنان عفیف ایرانی به داشتن حجاب سخن گفته‌اند

او در سفرنامه‌اش با عنوان «به‌سوی اصفهان»، بارها و بارها به‌وجود زنان محجبه در معابر اشاره می‌کند. او در تمام مطالبی که درباره زنان ایرانی نوشته، با تأسف بیان کرده که نمی‌توانسته یک زن ایرانی را بدون حجاب ببیند! چنانچه هم او در یادداشت‌های زمان اقامتش در شهر شیراز، نوشته که روزی مستخدم فرانسوی‌اش به او خبر می‌دهد که تعدادی لباس زنانه بر بندرختی روی پشت‌بام همسایه آویزان است. او از مستخدمش می‌خواهد که حواسش باشد تا اگر زنی هنگام غروب خواست آن رخت‌ها را از روی بندرخت جمع کند، به او خبر دهد. مستخدم کشیک می‌کشیده تا اینکه دم غروب بانویی برای جمع کردن رخت‌ها، به پشت‌بام می‌آید. شاید جالب باشد بقیه‌اش را از زبان خود پیر لوتی بشنوید: «مستخدم من با شتاب و حالتی مخصوص وارد اتاق شد و گفت: خانمی روی پشت‌بام است. من با عجله به‌دنبال او می‌روم. در آنجا زنی را مشاهده می‌کنم که از پشت سر بسیار جذاب و فریبنده به‌نظر می‌رسد. اندام خود را به وسیله لباس چیت و موهایش را با پارچه‌ای ابریشمی مستور داشته است. سرانجام سر خود را برمی‌گرداند. گویی با چشمان حیله‌گر خود به ما می‌گوید: همسایه‌ها! بی‌جهت به‌خود زحمت ندهید! من پیرزنی هفتاد ساله‌ام که دندان‌هایم ریخته... واقعا ما چقدر ساده‌لوح بوده که تصور کرده‌ایم زنی زیبا روی پشت‌بام بیاید و خود را در معرض دیده شدن قرار دهد!...» و اینچنین حسرت دیدن یک بانوی بی‌حجاب ایرانی، نه‌تنها بر دل پیرلوتی که بر دل تمام مردان فرنگی سفرنامه‌نویس دوره قاجار می‌ماند.

جمعی از زنان ایتالیایی با چادری موسوم به «فالدتا»

روزگاری که زنان اروپایی چادری بودند

نظری تاریخی به پوشش بانوان اروپایی، تا یک‌ونیم‌قرن قبل

گزارش

انوشه میرمرعشی
روزنامه‌نگار

داشتن پوشش عفیفانه و حجاب در میان بانوان، در طول تاریخ حیات فرزندان حضرت آدم(ع) روی کره‌زمین، از مسائل غیرقابل انکاری است که عموم مورخان تاریخ تمدن، در کتاب‌هایشان به آن اشاره کرده‌اند. تقید به داشتن حجاب و پوشاندن مو و بدن از نگاه نامحرم، نه‌تنها در میان ادیان توحیدی که حتی در آیین‌های مشرکانه هم، مرسوم و معمول بوده است اما در طول یک‌قرن‌ونیم گذشته و با حاکمیت اندیشه لیبرالیسم بر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، روند دین‌زدایی از جامعه غربی سرعت گرفت و کم‌کم عموم زنان غربی، فرهنگ عفیفانه خود را در پوشش لباس و حجاب از دست داده و سنت‌های بیش از هزارساله خود را در زمینه پوشش و حجاب به کناری نهادند! اما این سنت‌ها در زمینه پوشش چه بود؟ حجاب بانوان غربی شامل چه بخش‌هایی بود؟ و اینکه کدام کشورهای مغرب‌زمین را شامل می‌شد؟ را در مقال پی آمده موردبررسی قرار داده‌ایم.

لباسی که خدا برای بشر فرستاد

لباس از ریشه «لَبَسَ» است. لبس در المفردات قرآن چنین تعریف شده است: انسان می‌پوشد و او را دربرمی‌گیرد. خداوند در قرآن کریم به این «دربرگیرنده انسان» یعنی لباس، توجه ویژه‌ای دارد؛ چنان که در آیه ۲۷ سوره اعراف به همه مردم هشدار می‌دهد: «یابَنی آدَمَ لا یفْتِنَنَّکمُ الشَّیطانُ کما أَخْرَجَ أَبَوَیکمْ مِنَ الْجَنَّه یَنْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما لِیرِیهُما سَوْآتِهِما إِنَّهُ یراکمْ هُوَ وَ قَبِیلُهُ مِنْ حَیثُ لا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّیاطِینَ أَوْلِیاءَ لِلَّذِینَ لا یؤْمِنُونَ؛ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آنگونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس‌شان را از تنشان بیرون ساخت، تا عورت‌شان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند، از جایی که شما آنها را نمی‌بینید، (امّابدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.» همچنین بنا بر آیات قرآن بعد از هبوط انسان روی زمین، خداوند برای پوشاندن اندام او «لباسی» پوشاننده و مایه زینت نازل کرده است. آنچنان که در آیه ۲۶ سوره اعراف می‌فرماید: «یا بنی ءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَیکمْ لِبَاساً یوَرِی سَوْءَ تِکمْ وَرِیشاً وَلِبَاسُ التَّقْوَی ذَلِک خَیرٌ ذَلِک مِنْ ءَایَتِ اللهِ لَعَلَّهُمْ یذَّکرُونَ؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزکاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت‌های او) شوند.» البته باید در نظر داشت که انزال «لباس» از سوی خداوند، از طریق وحی بر پیامبر خود حضرت آدم(ع) و با تعلیم او و همسرش حضرت «حوا» همراه بوده است.

براساس روایات، خداوند پنبه را نازل کرد و به آدم کشت آن و به حوا ریسیدن و بافتنش را یاد داد. همچنین نخ ریسی از پیله کرم ابریشم و بافتن آن هم در روایات، به حضرت آدم نسبت داده شده است(۱). جالب است که در روایات داریم که نوه حضرت آدم یعنی حضرت ادریس(ع) [پدربزرگ حضرت نوح نبی]، از طریق وحی خیاطی را آموخته و به خیاطی و دوخت لباس برای مردم می‌پرداخت(۲). امروزه در مسجد «سهله»، مقام خیاط‌خانه حضرت ادریس محل زیارت زائران است.

پوشش زنان اروپایی قبل و بعد از مسیحیت

بخشی از فرزندان حضرت آدم(ع)، در مناطق گوناگون قاره سبز ساکن شده و به همین دلیل هم در ابتدا موحد بودند. اما مانند بسیاری دیگر از امم در طول زمان، بر اثر جهل و عناد از مسیر توحید خارج شده و به بت‌پرستی روی آوردند. تمدن «روم باستان» که ۸قرن قبل از میلاد حضرت عیسی مسیح(ع) شکل گرفت، به همین دلیل در بخش اعتقادی دچار شرک شد. مردمان این تمدن الهه‌پرست (بت پرست) بوده و از جاده توحید خارج شده بودند. اما بنا بر آنچه ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن خود نوشته است، در همین تمدن مبتنی بر تفکر شرک در روم باستان، کسانی که لباس تنگ می‌پوشیدند، مجازات می‌شدند. زنان روی لباسشان، ردای بلندی تامچ پا می‌پوشیدند که «استولا» نام داشت و وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند، به‌طوری که چیزی از برآمدگی‌های بدن آنها مشخص نمی‌شد اما بعد از ورود یهودیان در پراکندگی اول (۶۰۰قبل از میلاد) به سرزمین اروپاییان و سپس گسترش مسیحیت در قرن اول میلادی در اروپا، فرهنگ پوشش بانوان اروپایی، مقداری از نوع حجاب بانوان یهودی تأثیر پذیرفت. زیرا در دین یهودیت، حجاب جزو مهمی از اعتقادات یهودیان بوده وهست و در تورات بر آن تأکید بسیار شده. چنانچه در نقل ماجرای ازدواج اسحاق با رفقه (یا به زبان لاتین ربکا) در سفر پیدایش آمده‌است: «رفقه چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر فرود آمد، زیرا که از خادم پرسید، این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت آقای من است، پس برقع خود را گرفته خود را پوشانید.» (تورات، سفر پیدایش، بخش ۲۴، آیات ۶۴ و ۶۵) و یا آنجا که تورات از قول پیامبر بنی‌اسرائیل، بوعز خطاب به روت ـ عروس نعومی از زنان بنی‌اسرائیل ـ بیان می‌دارد: «چادری که برتوست بیاور و بگیر، پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر آن گذاشت و به شهر رفت». (تورات، رساله روت، بخش ۳، آیه ۱۵) اما بعد از گسترش مسیحیت در قاره‌اروپا، رعایت حجاب در میان بانوان اروپایی، با سختگیری بیشتر رعایت می‌شد؛ زیرا آیین مسیحیت نه‌تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداد که رعایت آن را به شکل قوی‌تر موردتأکید قرار داد. پس رعایت حجاب در میان بانوان مسیحی شده اروپایی، با جدیت حفظ می‌شد. به‌ویژه اینکه از دیدگاه مسیحیت، تجرد مقدس شمرده می‌شد و به همین علت برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج، زنان به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین به‌صورت شدیدتری فراخوانده می‌شدند(۳).

فرهنگ و سنت‌های زنان اروپایی در رعایت حجاب

خداوند مردم سرزمین‌های گوناگون را از اقوام و با زبان‌های مختلف آفریده است. این قوم‌های گونه‌گون، البته دارای پاره‌فرهنگ‌های متفاوت و متمایز از هم نیز هستند. این تمایز، قاعدتا در نوع پوشش و فرهنگ البسه‌ای آنها هم مشاهده می‌شود. بر همین اساس حجاب زنان اقوام و مردمان کشورهای مختلف اروپایی هم، با هم تفاوت دارد که به پاره‌ای از آنها اشاره می کنیم:

هویکه؛ چادر زنان آلمانی

بانوان کشور آلمان از زمان گرایش به مسیحیت، علاوه بر پوشیدن پیراهن‌های بلند که تا روی مچ پایشان را می‌پوشاند، بیرون از منزل، از روسری و چادر استفاده می‌کردند. در عمده مناطق، روسری، پارچه‌ای سفیدرنگ بود که موها را می‌پوشاند و چادر پارچه‌ای رنگی بود که روی روسری انداخته می‌شد و تا حدود ران را پوشش می‌داد اما جالب است که بخشی از زنان آلمانی بیرون از منزل و در انظار عمومی، از چادری سیاه‌رنگ به نام «هویکه» استفاده می‌کردند. هویکه از حدود ۷۰۰سال پیش در این کشور رایج شد. این نوع پوشش، عمدتا در نیمه‌شمالی آلمان در شهری مانند «کلن» رایج بوده است. همچنین نوعی دیگر از چادر به نام «تیپ‌هویکه»، که به کمک کلاهی روی سر ثابت می‌ماند، در منطقه «براون‌اشوایگ» آلمان پوشیده می‌شد. اندازه این چادر آنقدر بلند بود که روی زمین کشیده‌می‌شد!

فالدتا؛ حجاب زنان ایتالیایی

زنان در ایتالیا تا قرن ۱۹ میلادی، تقریبا همیشه دامن‌های گشاد و بلند گلدوزی شده، همراه با پیش‌بند و بلوزهای آستین‌بلند می‌پوشیدند. همچنین بیرون از منزل موهای خود را جمع کرده و با پارچه‌ای شبیه روسری‌های امروزی می‌پوشاندند اما بانوان ایتالیایی در مکان‌های عمومی، علاوه بر آن روسری، از چادری سیاه به نام «فالدتا» استفاده می‌کردند که کل بدنشان را از نگاه مردان غریبه می‌پوشاند. این چادر سیاه در واقع از یک دامن بسیار بلند تشکیل می‌شد و در قسمت بالای آن، پارچه‌ای بزرگ تعبیه شده بود که روی سر انداخته می‌شد و سر و بالاتنه بانوان را می‌پوشاند. جنس نوع اشرافی آن، از ابریشم بود و حجاب اعیانی بانوان ثروتمند ایتالیایی محسوب می‌شد. همچنین مشابه فالدتا، در کشور مالت توسط بانوان استفاده می‌شده است. مالت یکی از کشورهای اروپایی است که به‌صورت مجمع‌الجزایر در دریای مدیترانه قرار گرفته است. لباس سنتی زنان در این منطقه، «گئونلا» نام دارد که اغلب به رنگ مشکی و شبیه چادرهای قجری است. البته استفاده از گئونلاهایی با رنگ‌هایی چون آبی تیره و سفید نیز توسط بانوان مالتی استفاده می‌شده است.

کاپوچی کاپلو؛ چادر زنان پرتغالی

چادر زنان جزیره فیال در مجمع‌الجزایر آزور در کشور پرتغال، «کاپوچی کاپلو» نام داشت. این چادر عموما به رنگ سیاه یا آبی‌تیره براق بوده و از مادران و مادربزرگ‌های اشراف‌زاده به دختران‌شان ارث می‌رسیده است. همچنین استفاده از نوع دیگری از پوشش که شبیه چادر بوده به نام «مانتو»، در میان زنان پرتغالی مرسوم بوده است. این مانتو مانند شنلی بزرگ روی لباس بانوان پوشیده می‌شده است.

تصویری حکاکی شده از یک زن اسپانیایی، با چادر موسوم به «مایا»

بعد از گسترش مسیحیت در قاره‌اروپا، رعایت حجاب در میان بانوان اروپایی با سختگیری بیشتر رعایت می‌شد؛ زیرا آیین مسیحیت نه‌تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداد که رعایت آن را به شکل قوی‌تر موردتأکید قرار داد. هم از این روی رعایت حجاب در میان بانوان مسیحی‌شده اروپایی، با جدیت حفظ می‌شد. چه اینکه برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج، زنان به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین، به‌صورتی شدیدتر فراخوانده می‌شدند

مانتیلا؛ حجاب زنان اسپانیایی

«مانتیلا» یک روسری ابریشمی سنتی بود که توسط بانوان اسپانیایی بیرون از منزل استفاده می‌شده است. زنان اسپانیایی ابتدا موهای خود را در کلاه‌هایی پارچه‌ای پنهان می‌کرده، سپس با استفاده از مانتیلا سر و شانه‌ها و بالاتنه خود را کامل پوشش می‌داده‌اند. همچنین بعد از اشغال سرزمین سرخ‌پوستان توسط اسپانیایی‌ها در منطقه آمریکای لاتین، استفاده از مانتیلا در بین زنان مسیحی آمریکای لاتین رایج شد، تا جایی که تا چنددهه پیش همچنان زنان کاتولیک در کشورهای اسپانیولی‌زبان از این حجاب استفاده می‌کرده‌اند.

روسری‌های زنان انگلیسی و اسکاتلندی

در قرون اولیه میلادی، مردان و زنان انگلیسی از همان لباس‌هایی استفاده می‌کردند که طرح اصلی‌شان، کاملا مشابه لباس‌های یونانی و رومی با ۳لایه لباس زیر، لباس رو و شنل بود. در این دوران زنان موی خود را زیر روسری‌هایی که بعضا جنس‌شان از کتان بود، پنهان می‌کردند. این روسری ضمن پوشاندن سر، به دور گردن پیچیده می‌شد و زنان طبقه اشراف که تاج بر سر می‌گذاشتند نیز تاج را روی این پوشش سر قرار می‌دادند. همچنین در قرن هجدهم شال‌هایی به شکل ردا، برای زنان مورداستفاده قرار می‌گرفت که نوع تابستانی آن کوتاه و زمستانی آن بلند بود. برخی از آنها سوراخی برای بیرون آوردن دست و بعضی، سرپوشی از پارچه‌ای نرم داشت. در نوع بلند زمستانی آن، قسمت جلویی‌اش باد کمه بسته می‌شد. نوع تابستانی‌اش نیز، روی سر انداخته و به حالت آزاد در جلوی گردن بسته می‌شد و یا دوسر آن از روی سینه، به شکل ضربدر به پشت سر برده شده و به هم بسته می‌شد. در ضمن زنان اسکاتلندی از پارچه‌های چهارخانه معروف خود، تارتان یا پیچازی استفاده می‌کردند. این روسری ۳متری که از پشم درست شده بود، با یک سنجاق نقره - یا برنج - روی سینه ثابت می‌شد. این روسری‌های بزرگ تا اواسط قرن ۱۹، پوشش رایج زنان این منطقه بوده‌است. جالب است که بانوان اسکاتلندی زیر این روسری، «آراسید» یا لباسی بلند با کمربند می‌پوشیدند که کل بدن‌شان را از نگاه نامحرم پنهان می‌کرد(۴).

کلام آخر

موارد بالا نمونه‌هایی از سنت پوشش و حجاب، در میان بانوان اروپایی بوده است. در واقع باید دانست آنچه درباره پوشش و حجاب بانوان اروپایی گفته شد، برای زنان سایر کشورهای مسیحی چون یونان، فرانسه، روسیه و حتی بانوان کشور آمریکا هم، تا یک‌ونیم‌قرن پیش مصداق داشته است اما اینکه چطور می‌شود با شروع رنسانس و حاکمیت تفکر لیبرال سرمایه‌داری در کشورهای مختلف اروپایی، باورهای دینی مردم سست می‌شود، رعایت حیا و عفاف در طول یک‌قرن‌ونیم کمرنگ شده و در نهایت با شروع جنگ‌جهانی اول، رعایت حجاب در بسیاری از کشورهای اروپایی از سوی بانوان ترک می‌شود، خود موضوع مهمی است که باید در مقاله‌ای جداگانه موردبررسی قرار گیرد.

منابع:
۱. اصفهانی، عمادالدین حسین (عمادزاده)، قصص‌الانبیاء از آدم تا خاتم، جلد اول، بی‌جا، کتابفروشی اسلام، چاپ بیست‌وپنجم ۱۳۶۰ش، صص ۱۱۹و ۱۲۰
۲. ابن‌اثیر، عزالدین، الکامل، سیدحسن روحانی، جلد اول، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۵
۳. محمدی آشنایی، علی، «حجاب در ادیان الهی»، انتشارات اشراق (قم)، چاپ اول ۱۳۷۳ش صفحات ۱۰۷ تا ۱۱۲ و ۱۲۰ - و - موسوی، زهره، مقاله «اشتراک حجاب در ادیان ابراهیمی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶ش
۴. ویل کاکس، روت ترنر، «تاریخ لباس» - ۵۰۰۰هزار سال پوشاک زنان و مردان جهان -، ترجمه شیرین بزرگمهر، نشر توس، چاپ ۱۳۹۷ش، صفحات ۴۱، ۵۹، ۸۰ تا ۸۷، ۹۱ تا ۱۰۴ و ۲۴۲

تاریخ ایران

عهد قاجار

کتاب «عهد قاجار» با زیر عنوان مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم، نوشته «ونسا مارتین» را حسن زنگنه به فارسی برگردانده و از سوی نشر ماهی منتشر شده است.
ریشه‌های مباحث این کتاب در ۲ پرسش وابسته به یکدیگر نهفته است، اگرچه اهمیت یکی از آن دیگری بیشتر است. سؤال اصلی این است که چگونه کشوری به وسعت ایران توانست تدبیر لازم را به‌کار برد تا استقلال خود را حفظ کند و تسلط بیگانگان را به‌مدتی بیش از صد واند سال به حالت تعلیق درآورد. پاسخ تا حدودی در توانایی ایران در حفظ موازنه میان مناجی نهفته است. از نخستین دهه‌های سده نوزدهم، حکومت ایران بازی با یکی از این دو قدرت را برضددیگری در پیش گرفته بود؛ معذالک چنین رهیافتی در یک خلأ قدرت نمی‌توانست کارساز باشد. ایران همچنین توانسته بود در برابر اشغال بیگانه پایداری کند، زیرا روش چانه‌زنی را برای دور نگه‌داشتن قدرت‌های خارجی به‌کار می‌گرفت.
در این کتاب این نکته مورد بحث قرار می‌گیرد که حکومت قاجار در اداره اتباع خود بر زور و کاربرد آن متکی نبود، بلکه به همان اندازه و شاید بیشتر به توافق میان خود و ملت اتکا داشت. توافقی که خود ناشی از یک نظام پیچیده موازنه بود که به نوبه خود بر مردم در تمام سطوح اتکا داشت که مذاکره سیاسی می‌کردند و با دولت و با یکدیگر به چانه‌زنی می‌پرداختند.
نشر ماهی این کتاب ۳۰۴صفحه‌ای را به بهای ۷۸هزار تومان منتشر کرده است.

خاطره‌نگاری تاریخی

ماه عسل ایرانی

کتاب «ماه عسل ایرانی» خاطرات کنسول آلمان در تبریز (۱۵-۱۹۱۴) نوشته «ویلهلم لیتن» را پرویز رجبی به فارسی برگردانده و از سوی نشر ماهی منتشر شده است. ماه عسل ایرانی بیشتر یک دفتر خاطرات است تا یک سفرنامه.
گزارش‌های روزانه ویلهلم لیتن، دیپلمات آلمانی، گاهی چنان بی‌شائبه و خودمانی می‌شود که گویی او را در حضور داری. لیتن در سال ۱۹۱۳ در تهران با دوشیزه‌ای آلمانی ازدواج کرد. اما وقتی می‌خواست به ماه عسل برود، از سوی سفیر آلمان مأمور تأسیس کنسولگری این کشور در تبریز و تصدی آن شد. و این درست زمانی بود که ایران روزهای بحرانی انقلاب مشروطیت را از سر می‌گذراند و در چنبره دولت‌های بیگانه که آتش جنگ جهانی اول را برافروخته بودند، فریاد بی‌طرفی سرمی‌داد. پیداست که مولف کتاب مسائل ایران را به‌گونه‌ای دیده است که یک سیاستمدار خارجی می‌تواند ببیند. چون او کتاب را برای انتشار در برلین نوشته بود. از آثار تألیفی پرویز رجبی در زمینه تاریخ و ایران‌شناسی می‌توان به مجموعه‌های تاریخی زیر اشاره کرد: هزاره‌های گمشده، سده‌های گمشده، جشن‌های ایرانی، تاریخ خط میخی فارسی باستان و کریم‌خان‌زند و زمان او. نشر ماهی کتاب ماه عسل ایرانی را در ۳۰۲صفحه به بهای ۷۸هزار تومان منتشر کرده است.

ادبیات

طرز تهیه تنهایی در آشپزخانه عشق

کتاب «طرز تهیه تنهایی در آشپزخانه عشق» نوشته «یکتا کوپان» را مژده الفت به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی نشر ماهی منتشر شده است.
این کتاب، مجموعه‌ای است از داستان‌های کوتاه به قلم یکی از نویسندگان محبوب کشور ترکیه به نام یکتا کوپان. این مجموعه از داستان‌های کوتاه جذاب و خواندنی تشکیل شده که طرز تهیه تنهایی در آشپزخانه عشق یکی از آنهاست. باقی داستان‌ها عبارتند از: آب و یخ، سوار کار نقاب دار، جفت شش، نقطه خروج، خانه بازی، چشم‌انداز پل، روزهای عادی فصل و جادوگر درخت سیب.
محوریت داستان‌های کتاب درباره عشق به خانواده، روابط عاشقانه، دوستانه و جدایی است و فضای ملودرام آن طنینی دلنشین در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. قلم یکتا کوپان بسیار سلیس است و به دور از هرگونه تکلفی، با ایجاد یک فضای گرم و دوستانه، روح خواننده را با شخصیت‌های داستان گره می‌زند. این نحوه نگارش ساده و روان، نوشته‌های یکتا کوپان را با استقبال قابل توجه مخاطبان مواجه کرده اما سوای عامه پسند بودن، آثار او از چنان محتوا و نگارش پخته‌ای برخوردارند که تاکنون برنده چند جایزه ادبی نیز شده‌اند. هر کدام از قصه‌های این کتاب، به‌نحوی از مواجهه انسان با تنهایی و روش او برای سازگاری یا مقاومت در برابر آن سخن می‌گویند. نشر ماهی این کتاب ۱۶۰صفحه‌ای را به بهای ۴۵هزار تومان منتشر کرده است.